

بسیاری از اینها در راه لازم

روز جنگ در جبهه باختر

از ۱۰ مه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۴۰

چند روز بعد دادایه پاریس را ترک کرده و با تاقی برایش پنجاب موطن خویش شهر کوچک « کان تراس » حرکت نمود . دادایه ترفیات خود را در این شهر شروع نموده و از این جا برای نخستین بار به مقام همداری رسید .

دادایه مدت زیادی در « کان تراس » اقامت نمود و از آنجا با پسرانش چند روز بعد به طرف ماری رفت . مشوه افکار دمار فزید - گروسل در اینجا با وی پیوست .

ششم ژوئن

نخستین روزی از سیاه های ارتش سر لشکر «دون بول» از رود سوم شتافته و وسط وگان در تمام طول جبهه حمله ور شده اند . لشکرهای زره پوش و موتوریزه «سرب دوت» پیشاپیش سیاه ها حرکت کرده و به سمت دوازده و در عقب لشکرهای منبهر هتکهای پیاده برکت پیشروی میکنند . خط ارتباط زره پوش ها که با سرعت زیاد حرکت مینمایند باید به نظام بهمه زره پوش های سک و دستهای موتوریزه سوار واگذار شده است . نیروی فرانسه مطابق نقشه وگان در صدد قطع ارتباط زره پوشها پیاده نظام آلمان برآمده و تا اندک زمانی در انتظار موفقیت حاصل نموده اند ولی زره پوشهای آلمانی پس از اطلاع از قطع ارتباط خود بازگشته و دوباره حمله را پیاده نظام رسانیدند .

گزارش متصل عملیات زره پوشها در ضمن شکت خط وگان جبهه و واقع روز هفتم ژوئن شرح داده خواهند شد .

نیروی هوایی آلمان حملات شدید و مستقیم بر مراکز نیرو و مهمات فرانسه در جبهه جبهه نموده و آن نقاط را بمباران کرده و دست دیگری از هواپیماهای آلمانی فرودگاههای مرکزی فرانسه محصور شدند .

بنابر مهم بازرگانی و نظامی «فرورول» فرودگاه شتافته بستی بمباران شد .

رو به رفته در طی عملیات منبهر ۱۹۴۰ هواپیما از نیروهای فرانسه و انگلستان و آلمان سرنگون شده یا آسیب دیده در فرودگاههای نابود گردیدند .

هواپیماهای انگلیسی نیز شب هنگام بر شهرهای باختری آلمان حمله آورده و مقدار کمی بمب فرو ریختند .

روزنامه های پاریس در این روز مطالبی در اطراف تیر کانیته لو فنتونی هیچکدام

هالوژانین

فيلم دهالو وژانين پانزده ساله آنرا پير پيريه سيمد ناميده اند . فولي با اينحال از آغاز آن تمام لذت و ذوق و هنر مخصوص ميگردد . در قسمت اين فيلم زيبا و دينار و ستاره فولي عوفي حرکات و مفاصل حاکم پاورده بهمه دارو علاقه و برشي و آوازي از تمامای عملیات و هنر و نمیشی نیز تمامای لذت و آفری و زیبایی و هنر مان در این فیلم خواننده نور معرفی و دیوانه هنر می باشد و موسیقی فیلم را «پروگروید» ساخته است .

این فیلم که با موزیک و رقص توأم بوده و از نظر فنی جلب توجه میکند ، تحت نظر «گول بوز» در کارخانه «داوفا» تهیه شده و مهمترین صحنه های آن همان صحنه آخر یعنی نمایش «داوید تانسی آبی» می باشد که هنر استادانه کارگردان را نشان میدهد .

این فیلم ناقص برای آن آلمانی و دارای ترجمه کامل و زبان فارسی میباشد .

خلاصه فیلم

فر واریته «آسیای آبی» عدهای از دختران رقص مشغول کار هستند یا آنکه ستاره های نامحافظه بنام خانم «داوید» چندان استعداد و فربه هنر پیشی برهائی ندارد ، لیکن بسبب اینکه با مدیر نامحافظه دوست است ، لذا راههای نخست غالبی را پیش می برد و نامزد میشود ، یکی از رقص های این واریته بنام «ژانین» که دخترک با استعداد و خوش خلقی است تصمیم میگیرد بهر وجهی که هست در یکی از نماهای زیبای آینده واریته «آسیای آبی» در نقش راهبده دار گردد . اما دوستش «شارلوت» که از روابط دوستانه ایوت و مدیر نامحافظه آگاهست ؛ ویراندر می دهد که ازین فکر دست برد دارد ، زیرا مولفیت او غیر قابل تصور است .

در همین موقع شارلوت در یکی از روزنامه ها چشمش به پیری بدین مضمون می افتد : «کارگردان در نظر دارد با «پامیون» رئیس یکی از شرکت های موزیکال شریک شود . « دخترک از خواندن این آگهی ، اندک درخشش جمع میشود و بی اختیار از دلش را بوالین اظهار داشته و میگوید این جوان مدتی قبل مرا تصاحب کرد و به من راهی ساخت . بوالین دلش را بحوال دوست خود می سوزد و بر آن میشود که این گراف جوان را بدنام انداخته و انتقام شارلوت را از او باز ستاند .

گراف نه پاریس ی آید و اتفاقا بنحسین وستروانی که می رود ، محلی است که آن موسیقی دان جوان گفتنی بنام «پیر بران» را با یونو و زده رنه و فلی از ذوق و استعداد این جوان مطلع میشود ، بدو پیشنهاد میکند که خوبیت مدتی آلود ، نام خود را باینکه بگر عوض نموده و بدین ترتیب دوره کارهای در زندگی خود پدید آورند .

از آنشب بعد دیگر موسیقی دان بدین ستاره بخش اوراق گفتنی بالامیاید و بنام «گراف» بهمه موره احترام قرار میگیرد ، وقتی خبر ورود گراف بگوش ژانین میرسد ، فوراً بر د پامیون شریک آید و این شخص متخافه و خود را بنام «مارکیز وایس» از همبازی های زمان کودکی گراف معرفی می کند و پامیون هم به او خوش آیند و همانشب

کارمند فرهنگستان فرانسه

دیوار ها باید ار است

در پشت جبهه جنگ چه خبر است؟

از یک قرن یا بیشتر لاف زدن و دروغ گوئیان سیاسی که برای پیشرفت کار خود بین مردم غنا و کینه و دشمنی انداخته و کار کردن را چیز موهون و بیستی قلمداد نموده اند ، روح ضالیت و کوشش را در جوانان ما کشته اند . باینکه کار کردن لازمه زیستن و وسیله کسب سعادت است چه بداییده شده است که جوانان بر اثر تفریقات بوج و گمراه کنندگان اجتماع دست از کوشش کشیده و از کار دستی اظهار کراهت کرده و شرفترین کارها را مشاغل اداری و نوکری دولت میدانند .

تئود روزولت که بر اسی برای ملت خود سرمشق کار و کوشش میباشد این جملات بر مغز و تصایح سودمند را خطاب بامر کاتیلان ایراد کرده است .

« در این دنیا فقط از برکت کار و فعالیت است که انسان میتواند بجای برسد و آرزوهای خود را جامه عمل بپوشاند . یک دولت توانا وقتی بوجود میاید که افرادی تندرس و فعال بوده و جوانانش بجای اینکه از مشکلات و مشغلهای بهرساند با قوت باز و نیروی کار و استقامت آن مشکلات را از پیش پای برداشته و بدون اینکه در فکر آسایش و تن بروری باشند ب جستجوی خطر شتافته و کوه را افتار و خوشبختی را از میان هزاران خطر و مانع بیچک آآورند . هیچگاه نباید بپنداشت که از میان مردم درود مرد باید بطلیفه مردی خود عمل کنند یا جرات داشته باشد در پی خطرات اشتباه کار کند و از دیگران که با وی پیوند دارند نگهداری نماید . زن باید خانه دار بوده و بامر در ایجاد خانواده یاری کند از بچه داشتن بپرهیزد ، کودک سالم بیرواله ، برای شوهر هسر غمخوار و برای کودکانش متعدد خوشی ما در اطفال باشد »

نظیر اینگونه کلمات از دهان بسیاری از دانشمندان در سالهای اخیر نسبت بقدرت ماشینیم که اراده عمل را از انسان گرفته و در حقیقت او را مطیع و بنده خود ساخته است شنیده شده و لی کسی بدانها توجه نکرده است .

فصل پنجم

باز گشت بزمین

من همیشه اوقات بیکاری خود را در زمان کودکی و چه در موقع جوانی و پیری در بیلان و زمینهای خانوادگی خودم سان گذرانده و در آنجا غالب اوقات خود را به کارهای کشاورزی پرداختم از اینرو بنام مسائل زراعت آشنا میشام . بهین جهت وقتی که بگفتار آن کسانی که از بازگشت بزمین های زراعتی صحبت میکنند گوش میدهم نمیتوانم از تبسم خودداری کنم . زیرا این اشخاص خیال میکنند که بازگشت بزمین کار آسانی است و فکر آنها بدون برخورد به بیچ مانع عملی شده و کلونین اداریهای دولتی و یاکارگران کارخانه ها را میتوانست باسانی و سهولت از سر کار و شغل خود برداشته و بزمنهای زراعتی کسب دل دارند .

پیش از جنگ جنگ گشته من نظیر اینگونه افکار درین طبقه متفکرین وجود داشتم چنانکه پس از انقلاب ۱۸۴۸ عده بسیاری از کارگران و ملاکین کوچک را با بجزایر فرستادند و اراضی وسیعی را بین آنها تقسیم نمودند و ریشه خود ساخته اند .

ترجمه : ن . سهند

اسرار اشعه سبز

یا مهیب ترین اختراعات جنگی

فصل نوزدهم

با زحمت و سختی بسیار در برهه ایلاتی که وجالی که منظره خانه هیلدرمان پیدا بود رفتم . از هیچیک از اطافهای این خانه علامتی پدیدار نبود .

بهر طرف گشای فرا دام : جز صدای رعد آسیای آب که از آبشار میشت هیچ صدایی بگوش نمیرسد . به نزدیک یک ساعت خانه بر روی دیوار منظره ای دیدم که از مشاهده آن دچار حیرت و سرگیجه شدم . ژانین باری نماید ؛ اما وقتی ایوت از این موضوع آگاه میگردد ، سخت اعتراض نموده و بدوست خود مدیر نامحافظه پیشنهاد میکند باید وی آن رل را برانگیزد و او را وادار میکند و سبیلای هست بر شپ لایلی ، ژانین را بپار و بازند تا او جواب آن رل را انجام دهد .

در ضمن مدیر نامحافظه حاضر میشود که ریاست هیئت اکثر این نمایان بر بهمه میبندد نمایان نامه و افسار سازد وقتی بی بزرگان حقیقی برای امضای یمانی در این خصوص بر ت مدیر نامحافظه می رود ، ایوت او را وادار میکند باینکه رل نخست را بجای ژانین انجام دهد . ژانین وقتی از این موضوع آگاه میشود ، سخت عظیم میگردد و در ضمن شارلوت نیز در می یابد که دوستش باعث سابق او طرح رفت ریفته در صورتیکه بچاره ژانین همان میگرد که با بی بران دوستی پیدا کرده است .

در همین موقع مشوق سابق بی بران هم که مدتی از این موسیقی دان بیچاره دوری جسته بود ، همینکه در روز نامه با چشمش باقی های بالابندی میافتد که در خصوص نمایان آید رفیقش چاپ میشود ، خود را بدورساند و دوستی را از سر میگرداند .

ژانین هم که بی میرد فریب خورده است بحال خرابی گراف را ترک نمیکند اما رله وقتا و ژانین را دوست میدارد وقتی میشود که ویرا از شرکت در نمایش که بر تیه کرد باز داشته اند تصمیم میگیرد بهر وسیله ای هست بفرست این نمایان را بهمه او حوال سازد . چون از هیچ راهی به منظور خود نمیرسد ناچار بعضی کدر تبلیغات دست دارد متزل میگرد و وی خود و بنیاد دست فر همدست را در اختیار گراف میگذارد .

تئود روزولت اخلاق رایگانه اساس و منشأ پیشرفت و ترقی ملل دانسته و معتقد است که اگر ملتی فاقد صفات یک و اخلاق پسندیده باشد هر چند که پیشرفت های مادی بسیار هم نائل آید سرانجام دستخوش زوال خواهد شد . چنانکه در نامه ای که بیکری از دوستان خود نوشته چنین اظهار عقیده نموده است :

« البته کار خانه های صنعتی و همچنین راه آهن و سایر بنکهای اقتصادی دارای منافع و ارزش بسیار است اما ارزش شجاعت و کوشش و عشق بجهن و خانوانه و فرزند از همه اینها بیشتر است از اینگونه معامد اخلاقی در افراد و جود نداشته باشد نه صنعت نه کار ، نه سرمایه هیچکدام سودی بحال ملت نخواهد داشت ، من مخالف این فعالیت خارق العاده ایکه در امور صنعتی و اقتصادی از افراد ملت مشاهده میشود نیستم ولی عقیده من آنست که باید ماشین تحت اختیار انسان در آید نه انسان مطیع و بنده ماشین گردد . »

نظیر اینگونه کلمات از دهان بسیاری از دانشمندان در سالهای اخیر نسبت بقدرت ماشینیم که اراده عمل را از انسان گرفته و در حقیقت او را مطیع و بنده خود ساخته است شنیده شده و لی کسی بدانها توجه نکرده است .

فصل پنجم

باز گشت بزمین

من همیشه اوقات بیکاری خود را در زمان کودکی و چه در موقع جوانی و پیری در بیلان و زمینهای خانوادگی خودم سان گذرانده و در آنجا غالب اوقات خود را به کارهای کشاورزی پرداختم از اینرو بنام مسائل زراعت آشنا میشام . بهین جهت وقتی که بگفتار آن کسانی که از بازگشت بزمین های زراعتی صحبت میکنند گوش میدهم نمیتوانم از تبسم خودداری کنم . زیرا این اشخاص خیال میکنند که بازگشت بزمین کار آسانی است و فکر آنها بدون برخورد به بیچ مانع عملی شده و کلونین اداریهای دولتی و یاکارگران کارخانه ها را میتوانست باسانی و سهولت از سر کار و شغل خود برداشته و بزمنهای زراعتی کسب دل دارند .

پیش از جنگ جنگ گشته من نظیر اینگونه افکار درین طبقه متفکرین وجود داشتم چنانکه پس از انقلاب ۱۸۴۸ عده بسیاری از کارگران و ملاکین کوچک را با بجزایر فرستادند و اراضی وسیعی را بین آنها تقسیم نمودند و ریشه خود ساخته اند .

اطاق را کنار زدم و ناگهان دیدم از زیر فرش از روزنه کوچکی نوری بیرون میاید . دست دگم کردم دیدم تخته در می معادلی که اطاق دیده می شود . تخته را برداشتم و نگاهش بپایین اندکتم . منظره ای که در آماج دیدم بقدری عجیب ، بقدری حیرت آور و عجیب انگیز بود که چند لحظه سر را بی خودم از وحشت میلرزید . در زیر پای خود مقدار زیادی ماهیهای عجیب و غریب مشاهده کردم که مشغول کار هستند . چون بدقت نگرشتم متوجه شدم در این زیر زمینی از جریان آب رودخانه استفاده نموده و چون دینامو کار گذاشته اند و چند فرکانس نیز در آنجا مشغول کار هستند ، در آن وقت بختری معلوم شده که این زیر زمینی چند مرتبه دارد مرگه اولی خلی نزدیک اطاق بود . بطوریکه صدای حرکت کارگران آنرا می شنیدم . مرتبه دوم کمی پایین تر و مرتبه چهارم شاید تا زیر کوه میرسد . یکی از کارگران بقدری بین فردیک بود که کلاهک صدای هس او را می شنیدم . تمام آن محوطه بوسیله برقی که از این دینامو ها تولید می شد روشن شده بود ولی در کارگاه متعلق لامپ قدری وجود نداشته بود و بطوریکه تقریباً روشنائی از حد عادی کمتر بود .

دیگر طاقت نیاوردم در را کمی دیگر همود و داخل شدم . در آنجا برای نخستین بار دستکهای عجیبی دیدم که از فولاد خالص ساخته شده و آنرا بروی ماشین بزرگی قرار داده اند و در متنا ایله آن چیزی شبیه بنور افکن دیده میشود . اشتیاق من در کشف قاضیا بقدری شدت داشت که تمام خاطرات را فراموش کرده و بیکاره از جایی که بودم آویزان شده باین رستم فاصله دو قدم از جایی که می فرود آمده بودم شخصی مشغول عمل و آزمایش نور افکن بود . آنچه را میباید بدانم دانسته بودم . در صدد بر آمدن که برای آن رستم محوطه خطر خارج بشوم . ولی پیش از اینکه قدمی بردارم شخصی که با نور افکن کار میکرد ناگهان سر برداشته مرادید و فوراً فریادی برکشید . چون چنین دیدم بسوی در بجهت ولی پیش

ی گویتم . در بجهت مدیر نامحافظه مجبور میشود ژانین را بروی صحنه بفرستد . بفرانز دوشی که در تنظیم این نمایش بخرج داده و ژانین بواسطه مهارتی که در ایجادش در پشت این نمایش بخرج میداد ، شهرتی بهم میرساند و نمایان هم بنام هالو و ژانین معروف میگردد و در نتیجه ده هزار فرانک به پیشنهاد کننده این عنوان . یعنی گراف زده داده میشود . چندی بعد رنه و ژانین هم با یکدیگر ازدواج میکنند .

ی گویتم . در بجهت مدیر نامحافظه مجبور میشود ژانین را بروی صحنه بفرستد . بفرانز دوشی که در تنظیم این نمایش بخرج داده و ژانین بواسطه مهارتی که در ایجادش در پشت این نمایش بخرج میداد ، شهرتی بهم میرساند و نمایان هم بنام هالو و ژانین معروف میگردد و در نتیجه ده هزار فرانک به پیشنهاد کننده این عنوان . یعنی گراف زده داده میشود . چندی بعد رنه و ژانین هم با یکدیگر ازدواج میکنند .

ماده چهارم - اجرای . همراهی و مساعدت

را معین می کند که در اثر همین همکاری مقامات ارتش - دریا داری و هواپیماهای طرفین خواهد شد .

ماده پنجم - برای مبادله اطلاعات در خصوص پیشرفت عملیات در جبهه جنگ و ماده ششم راجع باطلاع دادن یکدیگر از یمانهای قانون مقابله و تضمین است که بیکری از طرفین نسبت بدولتهای ثالث بکند - این ماده سه قسمت دارد که آنها قسمت سوم آن شایان دقت است از اینقرار :

« هر گونه اقدامی که یکی از طرفین در آینده بعمل آورد تهدات آنها راجع باین یمان را محدود نخواهد کرد و ازین غیر مستقیم برای طرف دیگر که در تهدات طرف اول با دول ثالث شرکت نکرده هیچگونه تهدیدی ایجاد نخواهد کرد . » باید مقصود از این ماده آن بوده که اگر مثلا لهستان پس از شروع جنگ با دولت شوروی یا دولت روسی با تانک فرار دادهائی بیست انگلستان خود را مجبور از رعایت آنها نماید .

ماده هفتم - راجع باین است که اگر در اجرای این یمان جنگ واقع شد هیچیک از طرفین حق ندارند بی موافقت طرف دیگر صلح جداگانه ای با دولت فاتح مقصد سازند - در ماده هفتم مدت پنج سال برای این یمان معین شده و پس از اینصورت خود بقوت دوام دارد ولی با اطلاع قبلی هس ماه قابل فسخ است و یمان بعضی امضاء اجباری شود .

(مقام این یمان در صحنه ۳۷ کتاب آبی انکس شماره ۴ سال ۱۹۳۸ پس از امضای قطعنامه ششم آوریل در دولت ثبت شده است)

چیزیکه یکی از مطالب دیگر در این یمان جلب توجه می کند آنست که دولت لهستان را کاملاً همراهی با انگلیس مجبور میکند آلمانها ادعا دارند که بوسیله این یمان دولت انگلیس لهستان را آلت دست خود کرده و جنگی را که پس از یمان موعیل وقتی پیش از آن برای جلوگیری از توسعه بسی اندازد آلمان طرح کرده بود به بهانه حفظ استقلال لهستان میبایست در آنجا تعصیل بکنند - روزنامه انگریف روز ۲۹ ماه آوریل ضمن مقاله مفصلی نوشت « حادثه جوان انگلیس آخرین تیری را در ترکش داشتند رها کردند - دیگر نباید بهل مسئله داترک و دالان از راه صلح و مسالمت امینوار بود . »

روزنامه های انگلیسی نوشتند : « این یمان اوضاع را تغییر نمیدهد رجا یی بکیر لهستان همواره برای حل مسائل مورد اختلاف حاضر بد شرط آنکه تهدید و کثیت زور از میان بر خیزد و آلمان و لهستان ماند دوواحد مساوی بدافزاید پیرا دارند نه آنکه آلمان چون دولت قوی و بزرگی است به لهستان زور بگوید . »

قطاً آلمانها نامه ادعاهائی که به دافزیک و دالان داشتند و آنرا ملک واقعی خود می دانند نیز باز این تفسیر می روند و بنا بر این معقول تیه و کدایت برای اجرای منظور خود شدند - لهستانها هم که هنوز راجع بیک انگلیس هیچگونه اطمینانی پیدا نکرده بودند و حتی طرز راسن آنرا هم حل نکرده بودند منظر نشسته و چشم براه بودند که میان فری و نشن مذاکرات بی در

از اینکه جوانم بالا روم شخص من بوریا یک چت خود را بر این رسانیده هر دوای مرا گرفت در همان عین دگران در اثر فریادی خود که با آنها رسانیدند . بنابر گفتگویی که بین ما روی داد ناگهان از پشت یکی از ماشین ها سر و کله او را پیدا شد . از زمین من چنان غضب آمد که چشمان من چون دو کله خون هوش بود . دون اینکه بستم آن یک بطری راست پیچید و با چاقو ریمانی را که تا آن لحظه در دستم بود و ناگهان زمین در زیر پای من فرو رفت و در تاریکی محوطه کردم .

یادداشت هیرا

همان میگرد در اینجا لازم است من دنباله داستان را گرفته شرح حال خودم و خواندن را که بعد از رفتن رونالد بوقوع پیوست برای شما خوانندگان شرح دهم تا نکته مهمی باقی نماند و پایان این داستان شور انگیز روغن گردد .

بعد از خارج شدن رونالد بیدرم و دینس ومن در انتظار نشسته و بایمید باز بگشت رونالد تا طلیعه صبحگاه بیدار میالند . پس از آن بی گران بود ، دینس و من آنچه سعی داشتیم کوشیدیم تا بخیر او را آسوده خواب ساخته و وادار با سراجت کنیم . حتی دینس در صدد جل حدیثی برآمده و بیدرم چنین وانمود کرد که غیبت من در اثر یک کتبگی بوده که برای حمله بدینم کشیده ایم .

صبح آرزو دینس بزم جستجو آهنگ بیرون رفتن کرد و چون خواست کلاه خود را بر سر بگذارد یادداشت رونالد را در آنجا پیدا کرده دوان دوان بزد منش آورد . پس از خواندن یادداشت آنچه باید بدانم دانستم یعنی متوجه شدم که رونالد قصد کشف مکان و محل فولر رفته بنا بر این باید سراغ او را در همان جوانی خانه هیلدرمان گرفت .

هر دو با قاطع از جای برخاسته لباس بر تن کرده بیرون آمدیم . هنوز از در خانه خارج نشده بودیم که ناگهان صدائی بگوش من رسید و کسی را شنیدم که سراغ آقای داورت رونالد را میگوید .

دینس از او پرسید که بارونالد بچکار دارد و آننصص چنین پاسخ داد : « از طرف دکتر کارلک برای اوپایی دارم و یک تبه اماتی برای او آورده ام » این خبر چنان ما دو فر را بهیجان آورد که گوی که رحتی بروی ما هسر دو همود شده و پیدا شدن این شخص در در حین لحظه بحران آمیزی کتبگی و بدانی دانستم . این شخص چنانکه بعدها خود برای من شرح داد یکی از کارکنان اداره آگاهی و موسوم

بخش پنجم (فصل اول)

سیست سال آشوب پرده آخر

پی بکجا خواهد انجامید و سرفه آنها چه خواهد شد .

این ود اوضاع لهستان در سه روز ۲۴ و ۲۵ ماه اوت و از این تاریخ تا روز حمله آلمان هم واقعه مهمی در دشت لهستان اتفاق نیافتاد و در محیط سیاسی اقدامات آندوت با اقدامات انگلستان که بعد میگردیم آید بهر حال ببینیم در آلمان اوضاع در چه حال بوده و مردم چه فکر میکنند .

۲ - در آلمان - مطالب ما در باره آلمان بسیار کوتاه است زیرا از لحاظ سنج عمومی و گذار لاری و بهمه وسایل دفاع شهر و غیره آلمانها حادها دینی از آغاز سال ۱۹۳۸ خود را حاضر کرده بودند و ارتش آلمان همواره حاضر بکار و حله بود . پس از یمان شوروی و آلمان پیشتر آلمانی ها بین کردند که دیگر جنگ نخواهند داشت و لهستان مجبوری نبود که با ضای آلمان را پذیرد و بهین جهت بود که انگلیس یمان روز یست و پنجم را بستند - با یته هس این یمان بقی قش عوض شد زیرا هس این یمان که انگلستان خود را برای مصاف با آلمان حاضر کرده و بنابر این زره خورده با لهستان قطع بود

از جنگ حال دیگر کسی ندان و حسی نداده و خصوصاً محافل ارتش با خوشبینی بسیار آینده را می نگریستند - افراد آلمانی هم چه از سربازان و چه از مردم عادی خود را برای لاداری در جنگ حاضر کرده بودند . روزنامه ها در این چند روزه در کلیات ضد انگلیس و لهستانی افرای کردند و خصوصاً راجع بوقایع صحنه و اتفاقات که با عادی مختلف مانند « جنایات لهستان » و « آلمانی ها را نجات دهید » و « ماهد آلمانها بیکرود چه تمندرا در پیش گرفته بود .

خلاصه در آلمان همه چشم بر راه بردن که بشوای آلمان چه تصمیم بگیرد ولی تقریباً همه کسی اطمینان دهه که دولت آلمان بهیچوجه از اطماع هس خود چشم نخواهد پوشید و یک قدم عقب نشینی نخواهد کرد و روابط آلمان و لهستان مدتها بهر تیره مخافه و از زمانی که هس شوروی و آلمان امضاء شد دیگر متعصبان میان این دو کشور دگرانی نیند و انگلستان واسطه اینکار بود این که هس خوب ثابت میکند که مسئله روابط آلمان و لهستان بهیچیکارگر چکی بود و سرفه حقیقی جهان را میباید جنگ انگلستان و آلمان تعیین کند .

از روز یست و دوم حله نور ۳ سوم سپتامبر استاد مهم سیاسی محافل انگلیس و آلمان رد و بدل شد و مذاکرات مفصلی بعمل آمد که خلاصه آنها را پس از بیان وضع انگلستان خواهیم دید .

فصل دوم - در انگلستان

در بمران موعیل سپتامبر ۱۹۳۸ انگلستان غافلگیر شده بود این کشور بزرگ بر لبی از جهان حکمرانی می کند متعصباً در صدد برود ولی اگر در صدد بر آروپا چکا تصمیم ببلای می گرفت و فرانسویها و روسها با آنها کفایت میکرد قطعاً انگلستان برکنار می ماند

استوارت ماکزی بود . دکتر کارلک بین همدانی از کارکنان انگلیس افرا که جوانی امین بود هوش بود بر میگرده بفرست فرستاده بود ماکزی اظهار میداشت که دکتر کارلک تمام جزئیات را بر یکی از فرح داده و دستور های لازم را به داده و حتی فنانی کمال من و دینس و رونالد را با بزرگه در دربارش ما دینار اشتباه نشود بهمه دگر خود را بجای ما معرفی کرده و اطلاعاتی از او دست آورد .

از اینرو معلوم میشد که دکتر کارلک در این مدت مرافق اوضاع و احوال بوده و از یک سببه خطرناک اطلاع داشته و می دانست است اطراف مارا افراد دشمن گسرا گرفته اند .

در هر صورت ، داخل خانه شده و بهت را می نمودیم . به حاوی یک نامه بهیچاریک فرست بود دینس که موضوع او بهیچ گشت کاغذ را با اجازه من باز کرده و چنین خواند :

آقای رونالد اوارت عزیزم ، این جنگی را مطابق اسلوب علمی تهیه کرده ام ؛ خالبه ! را بگوئید یکی از آنها را بر چشم فرو بماند اشخاص عادی قادر بدین نخواهند بود . هها نیز آنها را بر چشم زبید از آسیب افشهر و خوانید بیرون . هر که هم احتیاطاً نگاه دارد که اگر مال یکی شکت حاضر داده باشد .

هیچ خود را مسلح و آماده جنگ نگذارید چون ممکن است مورد حمله دشمن قرار گیرید بهیچدرمان استعداد کنید و از او کمک نخواهید کار بگم خواهد بود . »

جمله ای که راجع بهیچدرمان نوشته بود مارا دچار حیرت ساخت ، زیرا این نوشته با همه هودات ماهیج وفق نینداد ، ما کتری پس از پایان یافتن صدار آورده صمت : « دینس با یک پیام زبانی بهیچدرمان آقای دکتر کارلک گفت : نامی از هیچدرمان حترکتید زیرا خطرناکترین جاسوسهای دشمن هم میباید متنها قاید کرد فلا کتبگیهای دشمن متوجه میباید شما را باینکه بگر عوض نموده و بدین ترتیب دوره کارهای در زندگی خود پدید آورند .

از آنشب بعد دیگر موسیقی دان بدین ستاره بخش اوراق گفتنی بالامیاید و بنام «گراف» بهمه موره احترام قرار میگیرد ، وقتی خبر ورود گراف بگوش ژانین میرسد ، فوراً بر د پامیون شریک آید و این شخص متخافه و خود را بنام «مارکیز وایس» از همبازی های زمان کودکی گراف معرفی می کند و پامیون هم به او خوش آیند و همانشب

آگهی

مظور تہیہ
خدمت سر بازاری

三

51

پنجاه و نه روز آخر وقت اداری روز سه شنبه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۴۰ در دفتر کل معادن پذیرفته و در ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۴۰ در اداره کار بردازی با و خوانده خواهد شد . شماره ۹۱۷۳

اداره کل معادن

5

۱۴۱

شرکت سهامی
محل اداره مر
۱۳۵۶

آگهی مناقصه

چهار هزار تن

آگهی

۱۳۲۰-۴-۱۵
ی. ثبت رس

آگهی

روبی و طو

۴- پیشنهاد های رسیده روز دوم مرداد ماه ساعت ۹ صبح در هیئت اداری پارك مرکزی باز و خوانده میشود.
حضور پیشنهاد دهندگان آزاد میباشد.

2

